

گفتگو با محمد جهانی

اولین مدیر شبکه رادیویی ورزش

● محمد رضا شهیدی فر

وظایف و کارکردهای رسانه‌های مختلف چیزی نیست که یک بار و برای همیشه شرح و تعریف شود. ضرورت چنین فهم و دقتی همیشه وجود دارد؛ هر روز بیش از روز رفته. به جز دلایل ماهیتی این موضوع، اقتضائات بومی ما نیز آن را تشدید می‌کند. مثلاً یکی اینکه ما رادیو شناس‌های خیره‌ای نیستیم و همین تأملات ممکن است قدری به شناخت ما کمک کند. دوم این‌که کانال‌های موجود در دوره‌ای که بیشتر از امروز ناشناس حوزه رسانه بودیم افتتاح شد، و این به معنی مواجهه با الزامات قهری چنین رفتاری است: انبوهی غلطها و نواقص. سوم این‌که علاقه ما به شناختن و دانستن قدری بیشتر شده است (البته و به اندازه ضروری دو دهه رفته). و مهم‌تر این‌که قرار است ما مبدع تعریفی متناسب با آرمان‌هایمان، برای رسانه رادیو باشیم. یکی از همین و همان ضروریات، رسیدن به تعریفی مشخص است برای هر کدام از کانال‌های رادیویی حاضر و احتمالاً آتی. صدالبته اگر مقدمات، در همان زمان لازم خودش طی شده بود، مضایق کنونی این‌چنین آزارمان نمی‌داد. مضافاً اینکه وقتی در میانه، به مقدمه می‌پردازیم باید آشفتنگی‌های مقدر را هم تاب بیاوریم. با محمد جهانی گفتگو کرده‌ام که مدیریت دو کانال نوحاسته را تجربه کرده است؛ با پشتوانه‌ای قابل اعتنا از سال‌ها کار رادیویی.



کردیم. قرار بود که با روزی ۸ ساعت شروع بکنیم. شش، هفت روزی که برنامه را پخش کردیم، دیدیم مردم خیلی استقبال کردند لذا با دوازده ساعت کار را ادامه دادیم و بعد از حدود شش، هفت ماه به ۱۶ ساعت افزایش دادیم. الان هم با روزی ۱۶ ساعت برنامه هایش پخش می شود؛ یعنی از ۶ صبح تا ۱۰ شب. کنداکتور شبکه ورزش خیلی متنوع است. فکر می کنم تجربه خیلی خوبی برای رادیو بود، لذا آقای خجسته در نامه ای که بعدا برای تشویق نوشتند، از رادیو ورزش به عنوان افتخارات انقلاب یاد کردند و الان هم من فکر می کنم یک رادیوی پرمخاطب است.

○ شبکه های دیگر هم ورزش دارند. چرا فکر کردید آنها نمی توانند برنامه های ورزشی را پوشش بدهند و نیاز است تا یک شبکه کار پوشش برنامه های ورزشی را انجام دهد؟ یا به عبارت دیگر آیا با راه اندازی این شبکه، برنامه های شبکه های دیگر با برنامه های شبکه ورزش تداخل موضوعی پیدا نمی کنند؟

□ نه، این که دلیل نمی شود؛ چون ما برنامه های معارفی هم در همه شبکه ها داریم، شبکه ای هم داریم که اسمش شبکه معارف است که به طور اختصاصی به این موضوع می پردازد.

○ **خب وسعتش این قدر نیست.**

□ چرا هست. در هر شبکه ای، سهم برنامه های ورزشی و تفریحی بیشتر از برنامه های معارفی یا اجتماعی آن شبکه نیست. ساعات خاصی رابه گروه های

○ **شده هیچ کار آموزشی ای برایشان طراحی نکردید؟**

□ چرا، ما یک دوره در زیباکنار داشتیم چه

ساعت بود؛ یعنی هفته ای ۵ ساعت مراجع به ورزش حرف می زدیم. برای من جالب بود که ما پنج ساعت در آیت های مختلفی در مورد ورزش حرف می زدیم، شنونده هم زیاد داشتیم در حالی که در شبکه سراسری هم نبودیم و در شبکه ای بودیم به اسم شبکه استان. از همان جا من آرزو کردم که ای کاش می شد صبح تا شب راجع به ورزش حرف زد. جوان ها خیلی استقبال می کردند و ورزش هم مقوله ای است که مقبولیت عامه دارد. مخصوصا وقتی جنبه ملی پیدا می کند مخاطب زیادی می توان جذب کرد و پای رادیو نگه داشت و مجبور

به خاطر تعریفی که ما از زن و جایگاه زن در جامعه داریم و انتظاری که از زن در خانواده داریم باید دنبال ورزشهایی برود که با روحیات و توان جسمی آنها سازگاری داشته باشد.

کرد که رادیو را روشن نگه دارد. اولین بار این مطلب را با آقای مهاجرانی (که آن زمان معاون صدا بودند) مطرح کردم. ایشان هم طرح را پسندیدند. در آن زمان رادیو جوان تازه تأسیس شده بود و در شروع خیلی هم با استقبال مواجه شد. این موضوع بود تا این که تغییراتی در معاونت ایجاد شد. آقای خجسته هم به بنده لطف داشتند و احساس کردند این توانایی در من وجود دارد، لذا طرح را با ریاست سازمان مطرح کردند، ایشان هم پذیرفتند، سپس جلسات کارشناسی مفصلی از بیرون و داخل سازمان برگزار شد؛ کنداکتور را خودمان نوشتیم و عواملش را خودمان انتخاب

○ شما تقریبا دو سال در رادیو ورزش حضور داشتید؟

□ اصلا طرح و تأسیس رادیو ورزش به عهده خود من بود. البته خوب آقای خجسته خیلی به من کمک کردند و انصافا هم در تصویب طرح و هم در راه اندازی هر کمکی از دستشان برمی آمد، بزرگوارانه انجام دادند. ما با تعداد کمی شروع کردیم. فکر می کنم چهار نفر بودیم که شبکه ورزش را راه انداختیم. سابقه من در ورزش برمی گردد به ۱۴ سال قبل. با گزارشگری ورزشی در شبکه سراسری شروع کردم، در خدمت آقای شیشه گران، بعد مدیر گروه ورزش شبکه سراسری و بعد هم مدیر گروه ورزش و تفریحات شبکه استان شدم که یک روز شبکه پیام هم در گروه ما بود و بیشتر فعالیتمان ورزشی بود. بعد از تغییراتی که اتفاق افتاد و شبکه ها مستقل شدند من به شبکه جوان منتقل شدم و مدیر گروه ورزش شبکه جوان شدم و بعد از شبکه جوان، شبکه ورزش را راه اندازی کردیم که دقیقا دو سال در شبکه ورزش بودم. منتها مجموعه سابقه ام در رادیو ۱۳، ۱۴ سال می شود که قبل از آن هم اصلا شبکه ورزش

در رادیو نبود. به علت این که ماهشت سال در جنگ بودیم و از سال ۶۷ توانستیم ورزش را شروع بکنیم.

○ **چه اتفاقی افتاد که شما به این نتیجه رسیدید می توانید یک شبکه ورزشی در رادیو داشته باشید؟**

□ برای خود من خیلی جالب بود که وقتی مسابقه ای را پخش می کردیم این همه از طرف مردم استقبال می شد. من مسافرت خارجی هم خیلی می رفتم، در هیچ جا رادیویی به اسم ورزش ندیدم. تلویزیون ها بودند و رادیوهای ورزشی هم بودند ولی اختصاصا به ورزش نمی پرداختند. ما اولین برنامه ورزشی که راه انداختیم زمانش ۵

ورزش اختصاص می دهند. ضمن این که ما جز در شبکه جوان در شبکه دیگری گروه ورزش نداریم. در شبکه تهران تنها گروه مسابقات و تفریحات هست؛ در شبکه فرهنگ گروه ورزش نداریم؛ در شبکه سراسری عملاً فقط تفریحی است و ورزشی نیست و اگر هم باشد هیچ اشکالی ندارد. آنها می خواهند برنامه های ورزشی با تعاریف خودشان و با نوع مخاطب خودشان داشته باشند، ولی شبکه ورزش موظف است به طور اختصاصی به ورزش بپردازد؛ یعنی وارد تمام مقولات ورزش می شود. از مقوله های علمی و پزشکی، آموزشی، پخش مسابقات ورزشی، پوشش مسابقات حتی خارجی و استفاده از اینترنت و دریافت آخرین اخباری که در خارج از کشور اتفاق می افتد و می تواند لحظه به لحظه خبر را منتقل کند. چون الان جوان ها مثلاً یک لیگ های اروپایی علاقه مندند در شبکه ورزش این امکان وجود دارد که آخرین خبرها هر لحظه انتقال پیدا بکند یا اصلاً به رشته بسکتبال به طور اختصاصی پرداخته شود یا نیاز هست به ورزش دو میدانی بیشتر بها داده شود. اینها همه در شبکه ورزش می تواند مطرح شود. ضمن این که بنده با پخش مسابقات ورزشی که در شبکه های دیگر انجام می شود مخالفم و از قبل هم مخالف بودم چون اگر قرار است یک مسابقه ورزشی به طور زنده پخش شود، جایش شبکه ورزش است. حالا اگر استدلال این است که شبکه ورزش سراسری نشده و پوشش کامل ندارد یک شبکه دیگر می تواند صدای شبکه ورزش را رله و پخش بکند. نیازی نیست مثلاً برای مسابقه فوتبال سه تا فرستنده سیار به ورزشگاه آزادی برود و گزارش سه گزارشگر مختلف با سه موضع گیری مختلف از یک رادیو پخش شود. بیچاره شنونده ای که فوتبال دوست ندارد کجا برود. البته من دعوت می کنم بیاید پیام ولی از نظر اصولی نمی پسندم که هر شبکه ای با این دلیل که ما مخاطب خودمان را داریم فوتبال را پخش نکند. این دلیل، دلیل درستی نیست. به نظر من باید این مشکل به

نحوی در سازمان حل شود همان گونه که در تلویزیون دو شبکه یک فوتبال را همزمان پخش نمی کنند. اگر قرار است مثلاً شبکه سه مسابقه ای را پخش نکند به شبکه یک اجازه می دهند تا پخش کند. من فکر می کنم شبکه ورزش برای جامعه جوانان لازم بود. حالا با توجه به مشکلاتی که جوانان دارند، شبکه ورزش اگر یک ذره هم

متخصص رسانه ای جوان ها تأکید کردم؛ کسانی که قبلاً در رادیو بودند؛ ولی همه جوان بودند؛ یعنی بیشتر از پنج سال سابقه نداشتند. آنها کار را به صورت تئوری یاد گرفته بودند؛ یعنی یا دستیار بودند یا جایی کمک سردبیر بودند و یا در شبکه پیام تهیه کننده بودند و شیفت جایگزینی داشتند. ما اینها را جمع آوری کردیم و به آنها میدان

با توجه به مشکلاتی که جوانان دارند، شبکه ورزش اگر یک ذره هم مؤثر باشد و جوان ها را به ورزش تشویق بکند، کار مهمی بوده که در رادیو اتفاق افتاده است.

مؤثر باشد و جوان ها را به ورزش تشویق بکند، کار مهمی بوده که در رادیو اتفاق افتاده است.

○ شبکه ورزش در مخاطب سنجی به لحاظ شنونده رادیویی چندم است؟

□ الان رانمی دانه ولی یک بار دوم بود. آخرین باری هم که من آمار دادیم چهار درصد شنونده داشت. یک بار هم یک نظرسنجی را بازرگانی انجام داده بود؛ که آنجا رادیوی سوم بود؛ یعنی رادیو پیام اول بود، رادیو سراسری دوم و رادیو ورزش سوم (در آماری که برای تمام کشور بود). الان هم رادیو ورزش در همه مراکز استان ها پوشش خوبی دارد البته مثل شبکه جوان نیست.

○ موضوعی که در بحث گسترش شبکه ها، چه در رادیو و چه در تلویزیون، همیشه گفته می شود بحث نیروی انسانی است. چه طور در کشور ما همان یک شبکه هم که شاید همه قسمت هایش موفق نبود، یک دفعه به هشت شبکه تبدیل شد؟ در مورد رادیو ورزش که شما کار طراحی اش را انجام دادید نیروهای انسانی را چه طور جذب کردید؟

□ ما دو نیروی تخصصی را مطرح می کنیم: یکی نیروی متخصص رسانه ای مثل تهیه کننده، گزارشگر، گوینده و دیگری نیروی متخصص ورزشی که با علم ورزش آشنایی داشته باشد و در رشته های مختلف کارشناس پیدا بکند. من در زمینه نیروی

دادیم. اولش خیلی سخت بود. خیلی ها هم با مقوله ورزش اصلاً آشنا نبودند. ما در پشت صحنه به جوان ها میدان دادیم ولی میکروفون را دادیم به پیرمردها؛ یعنی این که پیشکسوت های هر رشته ورزشی را به رادیو ورزش دعوت کردیم و میکروفون به او دادیم. اصلاً هم سابقه گویندگی نداشتند، منتها مستقیم گفتیم به عنوان گوینده کارشناس پشت میکروفون قرار بگیرند. تجربه خیلی موفقی بود، چون در کنار اینها گوینده ای از خود رادیو می گذاشتیم. در اینجا لازم است از آقای اسکویی تشکر کنم. ایشان گوینده مجربی هستند و سال ها در ورزش با من بودند. هر کدام از این دوستان را که می خواستیم رویشان سرمایه گذاری کنیم کنار آقای اسکویی می نشانیدیم. از دو سه نفر از پیشکسوتان خود سازمان هم (مثل آقای طبسی نژاد) استفاده کردیم که کمک های خیلی خوبی بودند. خود من هم قبل از این که بروم شبکه ورزش گروهی داشتم. در گروه های ورزشی، گروهی بودیم که با هم کار می کردیم، همه دعوت شدند. مجموعه اش چیز خوبی از آب درآمد. سختی کارمان همان شش ماه اول بود. بعد از این مدت دوستان کار را یاد گرفتند و واقعا علاقه مند به کار شدند چون دو شغل با هم تلفیق شد سردبیری و تهیه کنندگی. پس مجبور بودند مطالعه بکنند و با کارشناسان خودشان، جلساتی تشکیل دهند.

برای پیشکسوتان (که کار رسانه‌ای را به آنها آموزش می‌دادیم) و چه برای همکاران خودمان که ورزشی نبودند مشاور دائمی در اختیار شان قرار می‌دادیم. ضمن این که در آنجا خود ما هم به مرور زمان ورزشی شده بودیم. جمع ما، جمع کوچکی بود که می‌شد هر روز جلسه داشته باشیم؛ یعنی هر روز من بین همکاران بودم و با آنها حرف می‌زدم و به استودیو می‌رفتم. خود من ابراد می‌گرفتم؛ گاهی اغماض می‌کردم. نتیجه کار الحمدا... خوب شده بود. ضمن این که خود آقای ندیری - که الان مدیر شبکه ورزش هستند - یک نیروی شاخص ورزشی هستند که سابقه ۱۰ سال برنامه‌سازی دارند؛ یعنی در هر شبکه‌ای که بودم آقای ندیری هم با خود من بود و این نقیصه را برطرف کرد.

رادیو ورزش الان با کمبود نیروی انسانی مواجه نیست (یعنی تا چهار، پنج ماه پیش که نبود). شاید حالا برای ایجاد تغییر، تحول و تنوع و پیاده کردن طرح‌های جدید لازم باشد نیروهای تازه نفسی جذب شوند



یا این که دو سه نفری خارج شدند و رفتند. اما آن گونه که رادیو ورزش با بحران نیروی انسانی مواجه باشد این طور نیست، چون اولاً هر کس در ایران خودش را کارشناس ورزشی می‌داند و لاقلاً زمینه‌اش را دارد و چون این کار خیلی جذاب است زود می‌تواند خیلی چیزها را فرا گیرد. الان همکاران رادیو ورزش هم کارشناسان برنامه‌هایشان را خوب می‌شناسند. با کسانی تماس می‌گیرند یا مشاوره می‌کنند

که واقعا کارشناسند. در ضمن خودشان هم در این مدت در موضوعات خاص زحمت کشیده‌اند.

○ **من رادیو ورزش را خیلی کم شنیدم. ظاهراً تعدادی گوینده خانم هم آنجا کار می‌کنند. ورزش در ایران یک اتفاق به شدت مردانه است چرا شما فکر کردید به تبع شبکه‌های دیگر باید گوینده زن هم داشته باشید؟ یا این که قصد خاصی از این کار داشتید.**

□ در برنامه‌هایی که لازم بوده، گوینده خانم استخدام کردیم. ولی برنامه‌ایی که نیاز نداشته اصلاً این کار را نکردیم و بیشتر برنامه‌های شبکه ورزش بدون حضور گوینده خانم اجرا می‌شود، چون موضوع کاملاً ورزشی صرف است. اما در بعضی برنامه‌ها ناگزیر بودیم که از گوینده خانم استفاده بکنیم.

اصلاً ورزش همان قدر که متعلق به آقایان است به خانم‌ها نیز تعلق دارد. در خیلی برنامه‌ها فقط راجع به ورزش بانوان صحبت می‌شود. ما برنامه‌هایی داشتیم که مخصوص خانم‌ها بود و من مایل بودم که حتی تمام گروه خانم باشند و کار بکنند. برنامه‌هایی دارند که تفریحی و ورزشی است و حضور گوینده خانم لازم است مثل برنامه عصر ورزش که کمی سبک تر به موضوع می‌پردازد و تفریحی تر است. منتها بعدش - برنامه «همیشه با ورزش» - یک برنامه جدی و تخصصی است که تازه در آن برنامه‌ها هم ممکن است بنابه تناسب موضوع از یک کارشناس خانم استفاده شود. یا برنامه ورزش در خانواده نمی‌تواند بدون حضور خانم پخش بشود چون اصلاً در ارتباط با خانواده‌ها و ورزش‌های مفیدی که برای خانم‌ها صحبت می‌کند شده

است. یا برنامه صبحگاهی شبکه ورزش که در درجه اول یک برنامه اطلاع‌رسانی است، ولی چون یک برنامه شاد و مفرحی است که راجع به همه موضوعات مربوط به ورزش صحبت می‌شود، از گوینده خانم استفاده می‌شود. ولی قالب برنامه‌های شبکه ورزش بدون گوینده خانم پخش می‌شود.

○ **فکر می‌کنید حضور گوینده زن در شبکه ورزش خودش می‌توانست موجب**

گسترش ورزش بانوان شود؟

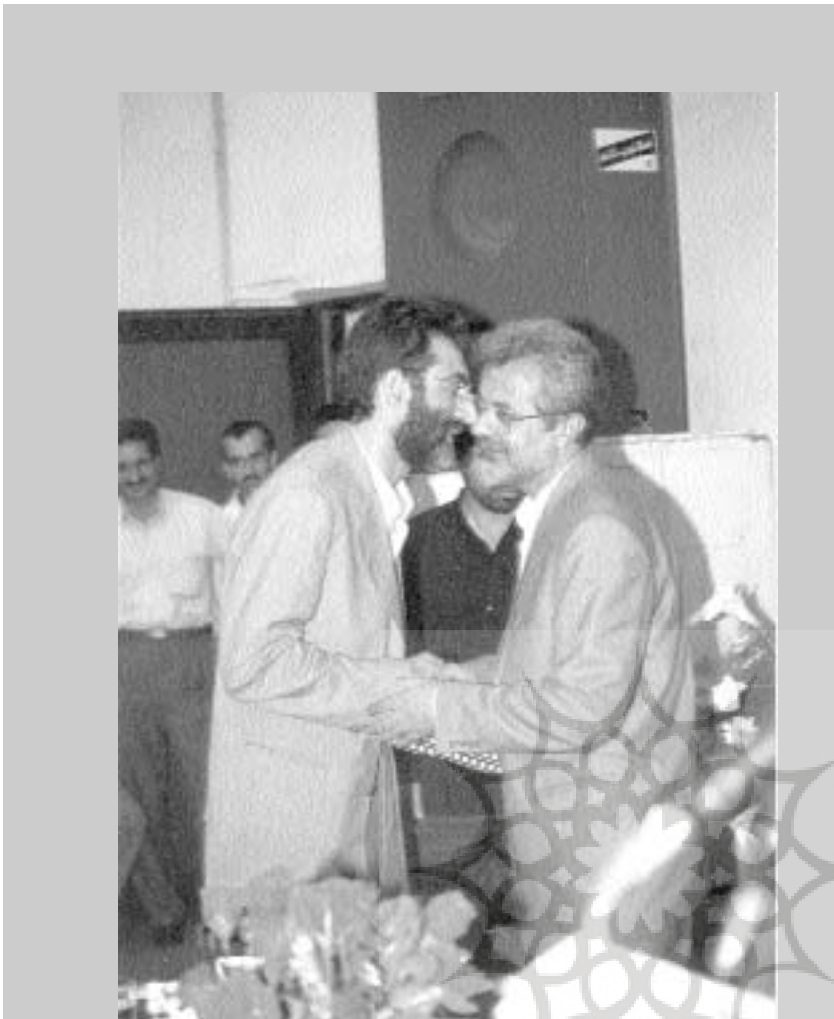
□ **بله قطعاً.** ما در شبکه ورزش برای اولین بار مسابقات والیبال دانشجویی خواهران را مستقیم پخش کردیم و از همان روزی که افتتاح شد برای خانم‌ها برنامه مستقل ورزشی داشتیم و فکر می‌کنم برنامه ورزش در خانواده شبکه ورزش (به خاطر تعداد تلفن‌هایی که خانم‌ها به برنامه می‌زدند) برنامه موفق بود. ضمن این که اصلاً خانم‌های ما خیلی به ورزش علاقه مندند؛ یعنی حتی به ورزش فوتبال همه علاقه دارند و من فکر می‌کردم اگر از گوینده خانم استفاده نمی‌کردیم بی‌احترامی به خانم‌ها بود.

○ **هیچ وقت به این فکر کردید که یک گزارش فوتبال را یک خانم گزارش کند؟**

□ **نه، هیچ وقت به آن فکر نکردم، چون با این کار مخالفم.** فوتبال یک ورزش خشن و جدی است که حتی من با بازی خانم‌ها هم مخالفم. به خاطر تعریفی که ما از زن و جایگاه زن در جامعه داریم و انتظاری که از زن در خانواده داریم باید دنبال ورزش‌هایی برویم که بارو حیات و توان جسمی آنها سازگاری داشته باشد. تمام خانم‌هایی که در دنیا فوتبال بازی می‌کنند دیگر اصلاً خانم نیستند. تمام عضلات بدن آنها عوض می‌شود، هیکل آنها عوض می‌شود. اصلاً خشن شده‌اند و آن لطافت زنانه را ندارند. فوتبال به نظر من اصلاً رشته خوبی برای خانم‌ها نیست؛ یعنی به عنوان یک کارشناس ورزشی که به خیلی از کشورهای هم سفر کرده‌ام، ورزش مناسب خانم‌ها تعریف دارد. ما باید دنبال آن تعریف‌ها بگردیم و ورزش‌هایی را پیدا کنیم که برای خانم‌ها مفید باشد. در آن رشته‌ها خانم‌ها را ترغیب کنیم تا ورزش کنند و لزومی ندارد که ما برای فوتبال گزارشگر خانم داشته باشیم. فکر می‌کنم که چیز خوبی هم از آب در نمی‌آید.

○ **در کشور ما روزنامه‌های ورزشی زیادند و ادبیات آنها، ادبیات فاخری نیست. شما در شروع کار آیا نگران این نبودید که رادیوی شما دچار این مشکل شود؛ یعنی دچار ادبیات نازلی شود؟**

□ **من این نگرانی را نداشتم چون ما مثل روزنامه‌ها مشکل فروش و تیراژ نداشتم.**



روزنامه‌ها از ادبیاتی استفاده می‌کنند که بتوانند بیشتر پول در بیاورند. لاف‌لر اغلب روزنامه‌های ورزشی به این صورت‌اند؛ حتی تیترهایی که انتخاب می‌کنند تأثیرگذار است. من در شبکه ورزش به همکاران می‌گفتم که دوست دارم سال اول تأسیس شبکه ورزش، یک شبکه اختصاصی باشد و در سال دوم تخصصی شود و در نوع برنامه‌هایی که از شبکه ورزش پخش می‌شود غالباً از استادان دانشگاه استفاده کنند. برنامه‌های مختلفی هم دارند: جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، رایانه در ورزش، مدیریت در ورزش بررسی ریشه‌ای مشکلات سازمان تربیت بدنی و... من نگران این نبودم که این ادبیات غلط روزنامه‌های ورزشی به رادیو سرایت بکند حتی برعکس امیدوار بودم رادیو ورزش تأثیر مثبتی بر روزنامه‌های ورزشی داشته باشد. حتی خیلی از روزنامه‌های ورزشی خبرهایشان را از رادیو ورزش تأمین می‌کردند. برای این که ما در صحنه ورزش کشور حضور داشتیم و لحظه به لحظه خبر را منتقل می‌کردیم و آن دو سال از هیچ خبری عقب نماندیم؛ یعنی موقعی که اتفاق در حال وقوع بود خبر در حال پخش بود و این برای روزنامه‌ها خیلی جالب بود. چند جایی هم که برای مصاحبه دعوت شدم، وقتی وارد اتاق مدیر مسئول روزنامه شدم، دیدم رادیو ورزش روشن است تا چیزی را از دست ندهند.

○ کاری که در رادیو معمول است استفاده از خود مطبوعات است. شما در ورزش چنین کاری نکردید؟

□ چرا، استفاده می‌کردیم. ما مطبوعات ورزشی را بررسی می‌کردیم. تیترهای خوب روزنامه‌ها را برای مخاطبان می‌خواندیم و یک برنامه‌ای هم داشتیم به نام تیتر اول که یک تیتر ورزشی از یک روزنامه انتخاب می‌کردیم و بعد با تلفن پی‌گیری می‌کردیم که این خبر صحت دارد یا خیر که خود این برنامه خیلی مورد توجه مطبوعات می‌بود.

○ موسیقی ورزشی‌ای که در ایران شناخته شده است بیشتر موسیقی الکترونیک و موسیقی غربی است. شما نگران این نبودید که همه موسیقی‌های

CD و تأیید شده به تهیه‌کننده‌هایمان دادیم که مشکل را تا حد زیادی حل کرد ولی طبیعتاً در ورزش غلبه بر موسیقی غربی است. در زمینه ورزش، موسیقی دانان کشور ما کاری نکردند و کل کارهایی که در زمینه ورزش شده فکر نمی‌کنم به یک ساعت برسد.

○ شما هیچ وقت به مرکز موسیقی سفارش ندادید؟

□ چرا، تقاضا می‌کردیم موسیقی‌های ورزشی فاصله به ما بدهند، ولی خوب هیچ موقع جدی گرفته نمی‌شد. بعد هم من خیلی در موسیقی تخصصی ندارم. شاید اصلاً نمی‌شود موسیقی‌هایی را ساخت که با تحرک ورزش هم خوانی داشته باشد؛ به هر حال چیزی دست ما را از طرف موسیقی ایرانی نگرفت.

○ آیا وضعیت فعلی شبکه ورزش (با توجه به گوینده و تعریفی که از نیروی انسانی کردید) وضعیت فاخر و قابل اعتمادی است؟ یعنی وقتی شما

شبکه، موسیقی غربی شود و آیا برای این که موسیقی ایرانی مناسب داشته باشید، دست به تولید زدید؟

□ شبکه ورزش به اقتضای موضوع آن، می‌طلبد که موسیقی غربی و الکترونیک داشته باشد، لذا غلبه موسیقی هم با موسیقی غربی و الکترونیک بود و این، برای جوان‌ها خیلی خوب و جالب بود که شبکه‌ای وجود دارد که این نوع موسیقی خوراک مطالبش است. ولی من همیشه نگران این بودم که چگونه می‌توان موسیقی ایرانی را در این شبکه پخش کرد. در طول این دو سال ما با مشکل موسیقی در شبکه مواجه نبودیم با توجه به این که من خودم به این موضوع واقف بودم و شورای موسیقی شبکه ورزش هم یکی از قوی‌ترین شوراها موسیقی معاونت صدا بود و به همین دلیل ما در طول مدتی که شبکه ورزش بودیم به دوستانمان موسیقی هدیه می‌کردیم. فکر می‌کنم در طول این دو سال حدود ۶۰ تا ۷۰ ساعت موسیقی به صورت

صدای رادیو ورزش را می شنوید، غیر از موضوعاتش که جذابیت ویژه دارد، آیا صداها، صداها قابل اعتمادی هستند؟

□ بعضی از آنها بله و بعضی ها هم نه. بعضی از صداها، کاملا جا افتاده که معلوم است می خواهد چه بگوید، ولی بعضی از صداها هم نه، هنوز قابل اعتماد نیستند و شاید خیلی هم ایراد دارند و هنوز احتیاج به آموزش دارند. حتی احتیاج دارند که کلاس ادبیات بروند و فارسی را خیلی خوب یاد بگیرند و این به نظر من یک تقیصه است که از روز اول هم وجود داشت و هنوز هم هست و این طور نیست که فقط در شبکه ورزش باشد، در شبکه های دیگر رادیویی هم این نقص وجود دارد که باید یک فکر اساسی در مورد گویندگی در رادیو شود و نیروی لازم برای گویندگی تربیت شود. من فکر می کنم هر گوینده ای، در هر زمینه ای که بخواهد صحبت کند باید کاملا مسلط باشد. امیدواریم طی سال های آینده این عیب برطرف شود چون خود ما هم در رادیو پیام با افراد زیادی با این نقص مواجه هستیم و حتی گوینده هایی که سال ها سابقه کار دارند در بعضی زمینه ها دچار مشکل می شوند.

○ به لحاظ قالب چه طور. آیا چون یک رادیوی تخصصی بود با یک قالب تازه روبه رو بودید؟

□ قالبش از روز اول با شبکه های دیگر فرق می کرد. من فکر می کنم همیشه نیاز به بازنگری و حرکت نوی دیگری هست. منتها قالب برنامه های شبکه ورزش عمدتا با شبکه های دیگر تفاوت دارد. نوع نگاه به برنامه سازی و استفاده بجای از تلفن های متصل به آنتن و کنفرانس کردن دو سه کارشناس از بیرون و داخل استودیو و باز بودن میکروفون شبکه ورزش حتی برای شنونده، یا برنامه های مسابقه ای شبکه ورزش باعث تفاوت قالب های برنامه سازی با شبکه ها دیگر بود، ولی الان بعد از دوسالی که از عمر شبکه ورزش می گذرد من فکر می کنم که یک بار دیگر باید کندانکتور به هم ریخته شود؛ به تبعیت از دو سال قبلی که ما فصل به فصل کندانکتورها را بازنگری و نیرو و برنامه ها را جابه جا می کردیم که خود این کار، تحرکی

ایجاد می کند. من قالب برنامه های شبکه ورزش را شبیه برنامه های دیگر نمی دیدم.

○ یقینا از شبکه ورزش انگاره هایی داشتید (چون اتفاق نیفتاده بود و تجربه اش را نداشتید). الان که از شبکه ورزش خارج شدید آیا انگاره ها تغییر کرده اند؟ به نظر شما کدام اعمال درست بوده و کدام درست نبود؟

□ من فکر می کنم به حدود پنجاه درصد به آن چیزی که می خواستم رسیدم. چون مقوله ورزش آن قدر گسترده است که در هر زمینه ای می توان کارهای خوبی انجام داد. بعضی از کمبودها و موانع اجازه نمی داد که ما خیلی کارها را بکنیم. شاید اگر امکانات اجازه می داد می شد کارهای بهتری در رادیو ورزش انجام داد. مادر زمینه گزارشگر خیلی فقیر بودیم؛ یعنی گزارشگر (با تعریف واقعی اش) به اندازه کافی نداشتیم و مجبور بودیم در پخش مسابقات از دو سه نفر استفاده کنیم. این یک دلیل عمده ای بود که ما نتوانیم خیلی از طرح هایمان را اجرا کنیم؛ مثلا یکی از طرح های من این بود که شبکه ورزش یک استودیوی سیار داشته باشد و هر روز این برنامه از یک جایی پخش شود، به دلیل نبودن نیروی انسانی کافی و مجرب نتوانستیم آن را انجام دهیم. تعداد کم نیرو در شبکه ورزش هزار حسن داشت، چندتا هم عیب و ما مجبور بودیم از بعضی طرح هایمان صرف نظر کنیم هر چند که اگر هم می خواستیم نیرو و استخدام کنیم نمی توانستیم آنها را تربیت کنیم.

من فکر می کنم انگاره هایم نسبت به آن موقع که در شبکه ورزش بودم تغییر نکرده و فکر می کنم که دوستان با انگیزه در آنجا کار می کنند و هر کسی که در شبکه ورزش کار می کند آن را، مال خودش می داند، چون از روز اول در همین شبکه کار کرده و یک گوشه کار مال همین دوستانی بوده که هنوز هم آنجا هستند و برای من خیلی جالب بود که این قدر به رادیو ورزش غیرت و تعصب داشتند و آن تعصب و غیرت باعث شده بود تا رادیو را سر پا نگه دارند. من در حال حاضر که متأسفانه نمی توانم برنامه های شبکه ورزش را گوش کنم، فکر می کنم آن انگیزه از بین

رفته باشد و هیچ موقع هم از بین نمی رود و آرزوی قلبی ام این است که موفق باشند کیفیت این شبکه روز به روز بهتر شود، چه از نظر محتوایی و چه از نظر ساعت برنامه. به هر حال سازمان مسئولیت دیگری بردوش من گذاشته و من وظیفه دارم این مسئولیت را انجام بدهم لذا از چیزهایی که الان در شبکه ورزش می گذرد بی اطلاع ولی مطمئنم همه چیز سر جای خودش هست و خوب پیش می رود.

○ عیب اساسی رادیو ورزش چه بود؟ آنجا چه چیزی آزارتان می داد و با تئوری هایتان نمی خواند؟

□ اگر حمل بر خودخواهی نشود، آزاری برای من نداشت. من از همه چیز شبکه ورزش با توجه به امکانات و نیروهایی که داشتم راضی بودم. ولی وقتی که یکی از کارشناسان یا گوینده ها چیزی را غلط می خواند یا غلط می گفت من ناراحت می شدم؛ حتی بیماری می شدم که چرا این اتفاق افتاده؟! خودم هم سال ها گویندگی و گزارشگری کردم و هزاران اشتباه و تپوق هم داشتم. ولی همیشه رنج بردم. خود من هم زمانی در شبکه پیام، گویندگی می کردم و وقتی یک مصرع از یک شعر را غلط می خواندم آن شب دیگر خوابم نمی برد. چون آن چیزی که پخش می شود دیگر بر نمی گردد. من خیلی حساس هستم و به کاری که انجام می دهم وسواس دارم. اما چیز عمده ای که من را رنج بدهد، نبود، چون محیط کار، خیلی صمیمانه و خوب بود و همه چیز مشورتی انجام می شد و دستوری نبود. تصمیم ها همه در جلسه گرفته می شد و انصافا آقای خجسته خیلی همکاری داشتند و جایی که قرار بود کاری انجام نشود با دلیل و استدلال انجام نمی شد و جایی که قرار بود کاری انجام شود با جان و دل انجام می شد. آن چیزی که مرا آزار بدهد واقعا نبود و چیزی که مرا آزار داد فقط رفتن از آنجا بود.

